

## پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مورخ ۲۰۰۱

| سیدیا سر ضیایی\* | دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران  
| زهراسادات روحانی | دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه  
قم، قم، ایران

### چکیده

مسئولیت بین‌المللی دولت نتیجه طبیعی نقض تعهدات بین‌المللی دولت است. دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد مهم‌ترین مرجع برای طرح مسئولیت بین‌المللی دولت است. طرح مسئولیت بین‌المللی دولت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل با ابتنای بر رویه قضایی بین‌المللی و از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۰۱ تدوین گردید. به همین دلیل آراء دیوان پس از سال ۲۰۰۱ نیز تا حدود زیادی منطبق با طرح مسئولیت بین‌المللی صادر شده است. یکی از بخش‌های طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، محتوا یا پیامدهای مسئولیت بین‌المللی دولت است که به سه بخش قواعد کلی (شامل توقف نقض و اجرای تعهد بین‌المللی و تضمین و اطمینان به عدم تکرار تخلف بین‌المللی)، جبران خسارت (شامل اعاده وضع به حال سابق، جلب رضایت و غرامت) و نقض جدی قواعد آمره (شامل عدم شناسایی و عدم همکاری به وضعیت متخلفانه بین‌المللی) تقسیم شده است. هرچند رویه دیوان در رعایت ترتیب و محتوای پیامدهای حقوقی منطبق با رویکرد طرح بوده است، با این حال در مواردی مانند اعمال شیوه غرامت و جلب رضایت به طور هم‌زمان و تغییر قلمروی پرداخت غرامت و توسعه قلمروی تعهد به عدم

شناسایی در نقض جدی قواعد آمره، رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری با رویکرد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل اختلاف داشته است. واژگان کلیدی: مسئولیت دولت، دیوان بین‌المللی دادگستری، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، جبران خسارت، غرامت

### مقدمه

نقض تعهد بین‌المللی توسط دولت موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود. مسئولیت بین‌المللی دولت نیز پیامدهای حقوقی دارد که اصطلاحاً به جبران خسارت شناخته می‌شوند. طرح مسئولیت بین‌المللی و درخواست جبران خسارت از طریق رجوع به مراجع قضایی بین‌المللی امکان‌پذیر است. دیوان بین‌المللی دادگستری (دیوان) مهم‌ترین مرجع قضایی بین‌المللی در این زمینه محسوب می‌شود (Chesterman, 2015: 6-7). همچنین طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد (کمیسیون) درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مورخ ۲۰۰۱ (طرح) مهم‌ترین سند مدون در رابطه با مسئولیت بین‌المللی دولت است که بخش مهمی از این سند به انواع پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت اختصاص یافته است.

تصمیمات دیوان طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان از منابع فرعی حقوق بین‌الملل بوده که می‌تواند کاشف از قواعد بین‌المللی باشد. از آنجا که بخش مهمی از «حقوق مسئولیت بین‌المللی» در حقوق بین‌الملل عرفی شکل گرفته است، آرای دیوان بین‌المللی دادگستری از ارزش خاصی در این موضوع برخوردار هستند. تا پیش از سال ۲۰۰۱ که طرح تصویب شد، رویه دیوان بهترین منبع شناسایی این قواعد بود. به همین جهت طرح مذکور در تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت در موارد متعددی به رویه قضایی و داوری بین‌المللی و از جمله رویه دیوان ارجاع می‌دهد. در مقابل پس از تصویب طرح مذکور همان‌طور که انتظار می‌رفت دیوان نیز در آرای خود به مفاد این سند استناد نمود.<sup>۱</sup> بررسی رویه قضایی دیوان در این رابطه به تبیین بهتر طرح و نظام حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت کمک می‌کند. علی‌رغم نظریات مختلف راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت، کمیسیون در ماده ۲ طرح از نظریه خطر پیروی کرده است. طبق این نظریه برای تحقق مسئولیت بین‌المللی، انتساب عمل به دولت و وقوع فعل متخلفانه بین‌المللی کفایت می‌کند و نیازی به اثبات خسارت یا تقصیر نیست. البته مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال فوق‌العاده خطرناک هم بعداً موضوع دو پیش‌نویس

۱. گزارش‌های کمیسیون از دیرباز همواره به عنوان موازین معتبر حقوق بین‌الملل در دیوان‌های داوری بین‌المللی و مراجع دادگستری بین‌المللی مبنای صدور آرای قضات و داوران بوده است (حلمی، ۱۳۸۵: ۱۸۲)

کمیسیون قرار گرفت<sup>۱</sup> که مبتنی بر نظریه وقوع خسارت بدون عمل متخلفانه بین‌المللی است. دیوان نیز همراه با رویکرد طرح، جز در جایی که معاهده مبنای صلاحیت نظریه دیگری را پذیرفته باشد،<sup>۲</sup> از نظریه خطر در مسئولیت بین‌المللی دولت تبعیت کرده است. صرف نظر از نظرات مختلف مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت، در این تردیدی نیست که اثبات مسئولیت بین‌المللی مستوجب جبران خسارت به معنای عام یا همان پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی می‌گردد. به همین جهت در آرای مختلف دیوان، در مواردی که دولت خواننده محکوم می‌شود، اصولاً شیوه‌های جبران خسارت مورد توجه قرار می‌گیرد. طرح نیز شیوه‌های جبران خسارت را به عنوان پیامد عمل متخلفانه بین‌المللی مطرح کرده است که تا حدود زیادی با رویه دیوان انطباق دارد.

پژوهش حاضر با بررسی آرای دیوان و تطبیق آن با شیوه‌های جبران خسارت مذکور در طرح تلاش می‌کند به نقد و بررسی آرای دیوان در این موضوع اقدام نماید و به این پرسش پاسخ دهد که رویه قضایی دیوان پس از ۲۰۰۱ تا چه اندازه با نظام پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت در طرح، انطباق دارد؟ در این پژوهش آرای دیوان از سال ۲۰۰۱ که طرح تصویب شد، تا زمان تنظیم این نوشتار که سال ۲۰۱۸ است، محور بررسی قرار گرفته است. در مجموع دیوان تا سال ۲۰۱۸ برای حدود ۱۲۰ دعوی ترافیعی تصمیم‌گیری کرده است که حدود ۵۵ رأی مربوط به بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ است. از این تعداد در حدود ۲۰ مورد به پیامدهای حقوقی مسئولیت اشاره شده است. این فرضیه اثبات گردید که هرچند رویه دیوان در این بازه زمانی منطبق با رویکرد طرح در پیامدهای حقوقی مسئولیت بوده است، اما در مواردی با رویکرد طرح اختلاف داشته است. این مقاله با روشی توصیفی و تحلیلی ابتدا به بررسی کلیات حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت و سپس پیامدهای مسئولیت بین‌المللی در دیوان می‌پردازد. تقسیم‌بندی مربوط به پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی مبتنی بر تقسیم‌بندی طرح است و آرای دیوان در این چهارچوب مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱. پیامدهای حقوقی مسئولیت دولت در طرح

طرح در تدوین حقوق بین‌الملل عرفی نقش مهمی ایفا نمود و برخی قواعد آن نیز در قالب دکترین جمعی حقوق‌دانان بین‌المللی جنبه نوآورانه دارد. دیوان در بسیاری از آراء خود بر قواعد این طرح صحه گذاشته است (Petersen, 2017: 374). مبنای ایجاد مسئولیت در این طرح به ترتیب

1. Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, 2001 and Draft principles on the allocation of loss in the case of transboundary harm arising out of hazardous activities, 2006.

۲. به طور مثال دیوان در قضیه تفسیر و اجرای کنوانسیون ممنوعیت نسل‌کشی، طبق کنوانسیون عنصر تقصیر را در احراز مسئولیت بین‌المللی دولت صربستان ضروری دانست.

شامل انتساب تخلف به دولت (عنصر ذهنی) و سپس اثبات نقض قاعده حقوقی (عنصر عینی) است (ماده ۲). باید توجه داشت که نظریات مختلفی راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت مطرح شده است که هر کدام در برخی معاهدات مبنا قرار گرفته است. به طور مثال کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌کشی مورخ ۱۹۴۸ از نظریه خطا (انتساب + نقض تعهد + قصد) و کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اجسام فضایی مورخ ۱۹۷۱ از نظریه اعمال فوق‌العاده خطرناک (انتساب + خسارت) و اکثر معاهدات از نظریه خطر پیروی کرده‌اند. طرح، نظریه خطر (انتساب + نقض تعهد) را به عنوان مبنای اصلی مسئولیت بین‌المللی دولت پذیرفته است.<sup>۱</sup>

هر چند رویکرد مسئولیت بین‌المللی دولت در طرح، مسئولیت بین‌المللی غیرکیفری است، اما قلمروی مسئولیت بین‌المللی دولت ممکن است در مواردی کاهش یا افزایش داشته باشد. به طور مثال طبق ماده ۳۹ طرح، اگر دولت زیان‌دیده خود در ورود ضرر مشارکت داشته باشد، این مشارکت در تعیین میزان غرامت ملحوظ خواهد شد (Columbia Law Review, 1972: 333). در مقابل گاهی نقض جدی یک تعهد بین‌المللی موجب افزایش مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود که شامل عدم شناسایی، عدم همکاری و تلاش برای پایان بخشیدن به وضعیت متخلفانه می‌شود.

کمیسیون برای پیامدهای حقوقی ناشی از نقض تعهد بین‌المللی از عبارت «محتوای مسئولیت بین‌المللی»<sup>۲</sup> استفاده کرده است که در اینجا به جهت رساتر بودن عبارت «پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی» جایگزین آن شده است. این پیامدها مشتمل بر سه قسمت است. قواعد کلی (شامل توقف عمل متخلفانه بین‌المللی، اجرای تعهد بین‌المللی و تضمین به عدم تکرار عمل متخلفانه بین‌المللی) جهت توقف استمرار یا تکرار عمل متخلفانه در آینده است. جبران خسارت (شامل اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت و جلب رضایت) جهت ترمیم مافات و به عبارت دیگر ناظر به گذشته است. این دو مورد از پیامدهای عام مسئولیت بین‌المللی هستند. پیامدهای نقض جدی (شامل عدم شناسایی و عدم همکاری) نیز در رابطه با نقض قواعد آمره است که از پیامدهای خاص مسئولیت بین‌المللی محسوب می‌شود.

۱. در واقع کمیسیون حقوق بین‌الملل با پرهیز از ذکر خسارت خواسته است از بی‌جبران ماندن نقض حقوق بشر اجتناب نماید و همچنین پیروی از سایر نظریات مسئولیت بین‌المللی دولت به کنوانسیون‌ها واگذار شده است.

2. Content of the international responsibility of State

## ۲. قواعد کلی<sup>۱</sup> در رویه دیوان

این قواعد به دو شکل «توقف نقض و اجرای تعهد» و «تضمین و اطمینان به عدم تکرار» قابل اعمال است.

### ۲-۱. توقف نقض و اجرای تعهد

طرح، اولین پیامد حقوقی مسئولیت را توقف نقض تعهد<sup>۲</sup> (ماده ۳۰) و تعهد مستمر به اجرای تعهد<sup>۳</sup> (ماده ۲۹) می‌داند. این موضوع آن قدر بدیهی بوده است که در اغلب قضایا ذکر نشده است و گویی در سایر شیوه‌های جبران خسارت، مستور بوده است (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷: ۲۲۳). ماده ۲۷ اشاره کرده است که حتی اگر نقض تخلف به خاطر یکی از علل رافع مسئولیت اتفاق افتاده باشد، به محض برطرف شدن آن علت، دولت مزبور موظف به توقف نقض تعهد و اجرای مستمر آن است (ILC comments on article 27, para 6, 2001: 86). باید توجه داشت که توقف نقض تنها در مورد تخلفاتی مانند اشغال نظامی که ماهیتی مستمر داشته باشند، قابل اعمال است (ILC comments on article 14, para 6, 2001: 60-61).

به نظر می‌رسد توقف نقض و اجرای تعهد همیشه لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارت دیگر معنای دیگر توقف عمل متخلفانه بین‌المللی، اجرای تعهد بین‌المللی است. به همین دلیل دیوان معمولاً به دستور به یکی از این دو بسنده می‌کند. در قضیه دستور بازداشت ۱۱ آوریل ۲۰۰۰، دیوان در بخش اجرایی<sup>۴</sup> حکم، ابتدا به این موضوع اشاره می‌کند که استمرار بازداشت آقای یروودیا نقض تعهدات بین‌المللی بلژیک در رابطه با مصونیت دیپلماتیک وزاری خارجه است و سپس از بلژیک می‌خواهد که دستور بازداشت آقای یروودیا را لغو نماید (ICJ Reports, 2000: 78). به عبارت دیگر توقف نقض که همان لغو دستور بازداشت است خودبه‌خود اجرای تعهد را که همان احترام به مصونیت است، به دنبال دارد. همچنین در قضیه اجرای موافقت‌نامه ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۵ دیوان به توقف نقض موافقت‌نامه مذکور از سوی دولت یونان به‌واسطه مخالفت با پیوستن مقدونیه به ناتو بسنده می‌کند؛ زیرا توقف مخالفت یونان برای پیوستن مقدونیه به سازمان‌های بین‌المللی ملازم با الحاق مقدونیه به این سازمان‌ها خواهد بود (ICJ Reports, 2011, para. 170). همچنین در قضیه اختلاف در دریانوردی و حقوق مرتبط، نیکاراگوئه با محدودیت‌هایی مانند ویزا برای مسافران کشتی‌های تجاری، تعهدات بین‌المللی خود نسبت به کاستاریکا را نقض کرده بود. دیوان در این رأی بیان می‌کند که نیکاراگوئه

1. General Principles
2. Cessation
3. Continued duty of performance
4. Operative clause (dispositif)

«در این زمان طبق تعهدات خود عمل نمی‌کند»<sup>۱</sup> و به طور ضمنی توقف نقض را از نیکاراگوئه می‌خواهد (ICJ Reports, 2009, para 156). توقف عمل متخلفانه بین‌المللی نیکاراگوئه به معنای اجرای مواد مورد نظر معاهده دوجانبه مرزی ۱۸۵۸ توسط نیکاراگوئه خواهد بود. گاهی دستور به توقف نقض تعهد و اجرای تعهد مورد ادعا در چهارچوب دستور موقت صورت می‌گیرد. به طور مثال در قضیه نقض‌های ادعایی معاهده مودت، روابط اقتصادی و روابط کنسولی مورخ ۱۹۵۵ دیوان طی یک قرار به توقف برخی تحریم‌های آمریکا علیه ایران دستور داد. همچنین در قضیه اجرای کنوانسیون بین‌المللی محو تمام اشکال تبعیض نژادی، دیوان طی یک قرار به اجرای تعهدات امارات متحد عربی شامل عدم تبعیض در حقوق شهروندی اتباع قطری دستور داد (ICJ Reports, 2018, para. 79) و در قضیه جادهاو نیز طی یک قرار پاکستان را ملزم به توقف اعدام آقای جادهاو نمود (ICJ Reports, 2018, para 61). باید توجه داشت که در مرحله قرار وجود حق ثبوت نیافته است تا بتوان گفت دستور به توقف نقض به معنای واقعی بوده است، بلکه دستور به توقف نقض «ادعایی» بوده است.

## ۲-۲. اطمینان و تضمین به عدم تکرار

ماده ۳۰ طرح، در کنار «توقف» به «اطمینان و تضمین به عدم تکرار»<sup>۲</sup> اشاره کرده است. هدف از اطمینان و تضمین، جلوگیری از وقوع تخلفات مشابه در آینده است (ILC comments on article 30, para. 1, 2001: 88). از نظر کمیسیون، منظور از «اطمینان» تعهد به عدم تکرار به نحو «شفاهی» است، و منظور از «تضمین» نوعی «تدابیر عملی» است (ILC comments on article 30, para 12, 2001: 90). با این حال دیوان در قضیه برادران لاگرانده که اجرای قوانین را در نظر داشت، بدون رعایت این تفکیک از عبارت «اطمینان» استفاده نمود.

هرچند در نظر دیوان در قضیه برادران لاگرانده هیچ «ضمانت قطعی» وجود ندارد که دولت تعهداتش را در آینده نقض نکند، (ICJ Reports, 2001, para. 124) با این حال می‌توان شیوه‌هایی را برای اطمینان‌بخشی انجام داد. بیشترین شکل حصول اطمینان و تضمین، دستور به اجرا یا اصلاح قانون موجود و یا قانون‌گذاری جدید بوده است. در قضیه صلاحیت قضایی دولت دیوان حکم داد که ایتالیا ملزم است با «تصویب قوانین مناسب» یا به هر طریق دیگر، «تضمین» بدهد که تصمیمات و احکام صادره از دادگاه‌ها و مراجع داخلی‌اش در نقض مصونیت آلمان بی‌اعتبارند، اعمال نمی‌شوند و مؤثر نخواهند بود (ICJ Reports, 2012, para. 139). در قضیه نهنگ‌ها در قطب جنوب نیز

1. Finds that Nicaragua is not acting in accordance with its obligations under the 1858 Treaty ... to obtain Nicaraguan visas.

2. assurances and guarantees of non-repetition

دیوان تمام اختیارات و مجوزهایی را که ژاپن بر طبق کنوانسیون جارپا، از آن‌ها برخوردار بود «ملغی اعلام نمود» و صدور هر نوع مجوزی بر آن مبنا را برای ژاپن «منع کرد» (ICJ Reports, 2014, para. 247). به این ترتیب در واقع دیوان تمام موجباتی را که مطابق با آن ممکن بود در آینده نقضی از سوی ژاپن صورت بگیرد، از بین برد و نوعی تضمین به عدم تکرار برای نقض‌های احتمالی آینده به استرالیا و نیوزلند ارائه کرد.

در قضیه برادران لاگرانژ تنها شیوه پیش روی آلمان درخواست به تضمین عدم تکرار عمل متخلفانه بود؛ زیرا والتر لاگرانژ اعدام شده بود و جبران خسارت تقریباً ناممکن بود (Christian J. Tams, 2002: 441). آلمان به طور خاص خواستار ارائه تضمین مناسب جهت پابندی کامل دولت آمریکا به کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی مورخ ۱۹۶۳ از طریق امکان بازنگری و جبران خسارت در احکام کیفری نادرست بود (Mennecke and Tams, 2002: 454). دیوان در حکم نهایی خود بیان داشت که آمریکا لازم است اجرای قوانین موجود در آمریکا در رابطه با ماده ۳۶ کنوانسیون وین را «تضمین» نماید (ICJ Reports, 2001, para. 128). در این قضیه دیوان الزام به قانون‌گذاری جدید و فراتر از تعهدات بین‌المللی آمریکا را برای تضمین به آلمان جایز نمی‌داند (ICJ Reports, 2001, para 125)، بلکه «اجرای قوانین مکفی موجود» به مثابه تضمین در نظر گرفته شد. باید توجه داشت که همین رویکرد در قضیه اونا نیز مورد پیروی قرار گرفت (ICJ Reports, 2004, para. 153).

شیوه‌های دیگری نیز برای اطمینان و تضمین به عدم تکرار وجود داشته است. دیوان در قضیه قرار بازداشت تأکید داشت که بلژیک مکلف است قرار بازداشت را متوقف کند و به مقاماتی که قرار بازداشت به آن‌ها ابلاغ شده است، «اطلاع‌رسانی» نماید (ICJ Reports, 2002, para. 78). همچنین در قضیه دریانوردی و حقوق مرتبط، نیکاراگوئه از دیوان می‌خواهد تا کاستاریکا طی اعلامیه‌ای رسمی به تعهدات بین‌المللی خود در رودخانه سان خوان «اقرار» نماید. دیوان با اشاره به اقرار کاستاریکا در مرحله تبادل لوایح، آن را جهت تضمین مورد نظر نیکاراگوئه کافی می‌داند (ICJ Reports, 2002, para 7).

۱. در مواردی نیز دیوان ضمن اشاره به ضرورت تضمین به شیوه آن اشاره نکرده است. به طور مثال در قضیه پروژه سد گابچیکو ناگی ماروس دیوان بدون مشخص کردن شیوه تضمین صرفاً اشاره می‌کند که مجارستان و اسلواکی باید اقدامات لازم را برای تضمین دستیابی به اهداف معاهده مورخ ۱۹۷۷ انجام دهند (ICJ Reports, 1997, para. 155).

گاهی تضمین در قرار موقت مورد توجه دیوان قرار گرفته است. مثلاً در قضیه جادهاو دیوان ضمن دستور به توقف اعدام آقای جادهاو از سوی پاکستان اعلام نمود که پاکستان لازم است کلیه اقدامات خود را به دیوان «اطلاع» دهد (ICJ reports, 2018, para. 61). همین طور در قضیه اجرای کنوانسیون بین‌المللی سرکوب کمک مالی به تروریسم و کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، دیوان از روسیه می‌خواهد تا آموزش به زبان اوکراینی را «تضمین» نماید (ICJ Reports, 2018, para 106). همچنین در قضیه مصونیت‌ها و رسیدگی‌های کیفری، دیوان از فرانسه می‌خواهد تا مصونیت کارکنان دیپلماتیک گینه استوایی «تضمین» شود (ICJ Reports, 2018, para. 99).

طرح کمیسیون با بیان عبارت «اگر اوضاع و احوال ایجاب نماید» قصد داشته است به ماهیت استثنایی ضمانت‌های عدم تکرار اشاره کند (دلآوری‌پور پاریزی، ۱۳۹۶: ۵۲). به همین دلیل در مواردی درخواست تضمین مورد قبول دیوان واقع نشده است. به طور مثال در قضیه کارخانه خمیر کاغذ، دولت آرژانتین از دیوان خواسته بود تا از دولت نیکاراگوئه تضمینی بگیرد که معاهده رودخانه اروگوئه را در آینده اجرا نماید. با این حال دیوان معتقد بود که نمی‌توان فرض کرد که دولتی که فعل متخلفانه مرتکب شده است در آینده نیز آن را تکرار خواهد کرد؛ زیرا اصل بر حسن‌نیت است و دلیلی وجود ندارد که جز در موارد خاص، دیوان حکم به اطمینان و ضمانت‌های عدم تکرار دهد (ICJ Reports, 2010, para. 105). همچنین در قضیه اعمال کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌کشی، دولت بوسنی هرزه‌گوین درخواست می‌کند تا صربستان و مونته‌نگرو ضمانت و اطمینان‌های خاصی ارائه دهد که افعال متخلفانه را تکرار نخواهد کرد. با این حال دیوان با استناد به مواضع مشاور دولت خواهان در مرحله رسیدگی شفاهی که به توقف جریان نسل‌کشی در صربستان و مونته‌نگرو اشاره کرده بود، زمینه را برای دستور به تضمین به عدم تکرار کافی ندید (ICJ Reports, 2007: 466). در مجموع رویه دیوان در پذیرش درخواست تضمین و اطمینان سخت‌گیرانه بوده است (هیگینز، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

### ۳. جبران خسارت<sup>۱</sup> در رویه دیوان

لزوم جبران تمام خساراتی که از یک عمل غیرقانونی حاصل شده‌اند، یکی از اصول قدیمی حقوق بین‌الملل است. دولت متخلف باید تمام آثاری را که از نقض حاصل شده‌اند، محو نموده و وضعیت را به پیش از نقض برگرداند و برای موارد ناممکن نیز آماده پرداخت غرامات باشد. (ILC comment 91: 2001, para. 1, on article 31) به طور کلی جبران خسارت در جایی است که خسارت وارد شده باشد، ولو یک تعهد بین‌المللی نقض نشده باشد. در مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع‌نشده، جبران خسارت تنها پیامد حقوقی خسارت است.

1. Reparation

اولین مسئله در رابطه با خسارت، تعیین رابطه علیت<sup>۱</sup> به معنای رابطه سببیت مستقیم میان عمل متخلفانه بین‌المللی و خسارت وارده است (ILC comments on article 31, para. 9, 2001: 92). حتی اگر خسارت وارده به اتباع یک کشور باشد امکان مطالبه جبران خسارت وجود دارد. قضیه اونا نشان داد که تعهد آمریکا به بازبینی محکومیت‌های ۴۸ تبعه مکزیکی نه لزوماً ناشی از تعهد معاهده‌ای بین‌المللی، بلکه ناشی از قاعده حقوق بین‌الملل عرفی جبران خسارت است (حدادی، ۱۳۹۳: ۳۷۶). «خسارت»<sup>۲</sup> در ماده ۳۱ طرح، تمام آسیب‌های مادی یا غیرمادی<sup>۳</sup> را در بر می‌گیرد (ILC comments on article 31, para. 4-7, 2001: 92). رویه قضایی نشان داده است که ملازمه‌ای میان جنس ضرر با جبران آن وجود ندارد و در خسارات معنوی گاهی به پرداخت وجه نقد نیز حکم می‌شود (ILC comments on article 31, para. 7, 2001: 92).

همچنین دستور به جبران خسارت تا جایی است که دولت زیان‌دیده در ایجاد آن نقش نداشته باشد و یا در جلوگیری از آن ناتوان باشد. دیوان در قضیه پروژه کابچیکوو ناگی ماروس بیان داشت که اگر دولت زیان‌دیده از اقدامات ضروری برای کاهش خسارات خودداری نماید، نمی‌تواند برای آن خسارات بعدی، درخواست جبران خسارت نماید (ICJ Reports, 1997, para. 80). اگر اشاره به جبران خسارت در دادخواست مسکوت مانده باشد، دیوان طبق قاعده «دادگاه عالم به حقوق»<sup>۴</sup> است می‌تواند به جبران خسارت اشاره نماید. دیوان در قضیه برادران لاگرانژ معتقد است که صلاحیت دیوان در «رسیدگی»، متضمن صلاحیت دیوان در صدور حکم برای «جبران خسارت» نیز هست (ICJ Reports, 2001, para 48). اما چنانچه در دادخواست صرفاً به یکی از شیوه‌های جبران خسارت مثل غرامت اشاره شده باشد، دیوان به استناد قاعده «منع اظهارنظر بیش از خواسته»<sup>۵</sup> از رجوع به سایر پیامدها خودداری می‌کند. دیوان در قضیه کانال کورفو معتقد است اشاره دولت خواهان به «غرامت» بدون اشاره به سایر شیوه‌های جبران خسارت موجب می‌شود تا دیوان به تعیین میزان غرامت بسنده نماید و به سایر شیوه‌های جبران خسارت وارد نشود (ICJ Reports, 1949: 249-250).

### ۳-۱. اعاده وضع به حال سابق<sup>۶</sup>

اولین شیوه جبران، برگرداندن وضعیت موجود به وضعیت پیش از نقض است که به معنای از بین بردن تمام آثار فعل متخلفانه است. ماده ۳۵ طرح ضمن اشاره به این شیوه، آن را مشروط به این کرده

- 
1. causality
  2. damage
  3. material or moral damage
  4. Jura novit Curia
  5. Non Ultra Petita
  6. Restitution

است که اعاده وضع به حال سابق غیرممکن نباشد و یا هزینه‌ای بیشتر از خسارات به متخلف وارد نسازد. زیان‌های مادی حاصل از اقدام متخلفانه مانند تصاحب غیرقانونی اشیاء و سرزمین و بازداشت غیرقانونی افراد باید به صورت «اعاده وضعیت مادی»<sup>۱</sup> و زیان‌های حقوقی حاصل شده از عمل متخلفانه مانند تغییر یک وضعیت حقوقی باید به صورت «اعاده وضعیت حقوقی»<sup>۲</sup> از طریق نظیر ابطال یا اصلاح یک قانون جبران گردد. (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷: ۲۳۳) مورد اخیر به «اعاده وضعیت قضایی»<sup>۳</sup> نیز شناخته می‌شود (ILC comments on article 35, para. 5, 2001: 97).

در قضیه معبد پره آویهار هرچند دیوان حاکمیت مناطق مورد اختلاف را متعلق به کامبوج دانسته بود، اما چون مرزها با علائم جغرافیایی دقیق مشخص نشده بود، تایلند با استفاده از همین ابهام حضور نظامی خود را در منطقه معبد و اطراف آن حفظ نمود (Chichi, 2016: 375). به همین دلیل کامبوج مجدداً در سال ۲۰۱۳ از دیوان خواست که همان حکم را تفسیر نماید. دیوان در قضیه درخواست تفسیر حکم ۱۵ ژوئن ۱۹۶۲، تایلند را موظف نمود هرچه سریع‌تر نیروهای ارتش خود را از منطقه مزبور خارج نموده<sup>۴</sup> و «وضعیت سابق» را بر این مناطق حاکم و حق حاکمیت کامبوج را محترم بشمارد (ICJ Reports, 2013, para. 108). در نظریه مشورتی پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین دیوان اعلام نمود که رژیم صهیونیستی باید تمام آثار ساخت دیوار را فوراً امحاء<sup>۵</sup> نماید (ICJ Reports, 2004, para. 163). این‌ها نمونه‌ای از اعاده وضعیت مادی است.

اعاده وضع به حال سابق، می‌تواند به معنای بازسازی شرایط قبل از نقض<sup>۶</sup> باشد و می‌تواند به معنای ایجاد شرایط جدیدی باشد که اگر نقض تعهد صورت نمی‌گرفت وضعیت مورد نظر در طول زمان به آن صورت بود. به نظر می‌رسد ماده ۳۵ ناظر بر بازسازی شرایط پیشین بدون در نظر گرفتن منافی است که در طول زمان نقض می‌توانست حاصل شود (ILC comments on article 35, para. 2, 2001: 96). در قضیه اخیر نیز با دستور دیوان به تخریب دیوار حائل، دولت متخلف صرفاً به اعاده وضع به حال سابق، بدون الزام به پرداخت خسارات ناشی از عمل متخلفانه، ملزم گردید.<sup>۷</sup>

1. material restitution
2. legal restitution
3. juridical restitution
4. withdraw from that territory
5. dismantle
6. restitutio in integrum

۷. هرچند دیوان در این قضیه به پرداخت غرامت حکم داد اما غرامت را صرفاً برای خسارات وارد بر مردم، مزارع، اموال غیرمنقول و ... لازم دانست (ICJ Reports, 2004, para. 153).

«اعاده وضع به حال سابق»، ممکن است با مفهوم «اجرای تعهد» خلط شود. برای هر نوع اعاده وضعیت، ابتدا لازم است تعهد سابق (اگر هنوز موجود باشد) محترم شمرده شده و مراعات گردد هر چند اجرای تعهد لزوماً برای اعاده وضعیت کافی نیست. همچنین «اعاده وضع به حال سابق» ممکن است با «تضمین و اطمینان به عدم تکرار» اشتباه شود. به طور مثال لغو قوانین می‌تواند هم مصداق اعاده وضعیت حقوقی و هم مصداق تضمین به عدم تکرار باشد. باید توجه داشت که هدف اولی جبران تخلفات گذشته است و هدف دومی پیشگیری از تخلفات در آینده است.

باید توجه داشت در نظریات مشورتی مانند قضیه دیوار حائل چون درخواست‌کننده‌ای وجود ندارد، جبران‌هایی مانند تضمین و اطمینان از عدم تکرار عمل متخلفانه و یا جلب رضایت نمی‌توان مطالبه نمود. در این موارد بهترین «پیامد حقوقی» رفتار متخلفانه بین‌المللی، توقف اقدامات غیرقانونی (اعاده وضع به حال سابق) است (هیگینز، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

### ۲-۳. غرامت<sup>۱</sup>

ماده ۳۶ طرح ضمن اشاره به پرداخت غرامت، آن را شیوه تکمیلی برای خسارات جبران نشده از طریق اعاده وضع به حال سابق می‌داند. گاهی اعاده وضع به حال سابق به دلایلی مانند از بین رفتن اموال یا تغییر در ماهیت موضوع آسیب ممکن نیست (ICJ comments on article 35, para. 1, 2001: 96). در این شرایط جبران از طریق پرداخت غرامت در اولویت قرار می‌گیرد.

هر چند دیوان در قضیه کاپچیکو و ناگی ماروس بیان کرده بود که طبق قاعده حقوق بین‌الملل دولت متضرر مستحق دریافت غرامت از دولت متخلف است (ICJ Reports, 1997, para. 152)، اما رویه دیوان نشان داده است که در صورت ناممکن شدن اعاده وضعیت به حال سابق به این شیوه رجوع می‌شود. دیوان در قضیه احمدو سادیو دیالو اشاره می‌کند که برای جبران خسارت باید ابتدا اعاده وضع به حال سابق و در صورت عدم امکان، پرداخت غرامت یا جلب رضایت و... صورت پذیرد (ICJ Reports, 2010, paras. 141-147). همان‌طور که دیوان در قضیه اعمال کنوانسیون پیشگیری از جرم نسل‌کشی بیان کرد چون اعاده وضع به حال سابق برای نسل‌کشی‌های صورت‌گرفته امکان‌پذیر نیست، باید امکان پرداخت غرامت مورد بررسی قرار گیرد (ICJ Reports, 2007, para. 460). در قضیه کارخانه خمیر کاغذ نیز دیوان معتقد است زمانی به غرامت رجوع می‌شود که اعاده وضع به حال سابق یا غیرممکن باشد و یا هزینه بیشتری نسبت به فوایدی که دارد ایجاد نماید (ICJ Reports, 2010, para. 273).

1. Compensation

از آنجا که تعیین دقیق خسارات وارده، کاری تخصصی است و پرداخت آن با توافق طرفین بهتر محقق می‌شود، دیوان معمولاً برآورد هزینه‌ها و شیوه پرداخت را در مدت معینی به طرفین واگذار می‌کند.<sup>۱</sup> در صورت عدم توافق در مدت تعیین شده، دولت زیان دیده می‌تواند جهت تعیین خسارات مجدداً در دیوان طرح دعوا نماید. در قضیه احمدو سادیو دیالو و قضیه برخی فعالیت‌های خاص نیکاراگوئه در منطقه مرزی، دولت‌های خواهان پس از مهلت تعیین شده دادخواستی جهت تعیین غرامات در دیوان ثبت نمودند. در قضیه فعالیت مسلحانه در سرزمین کنگو، تعیین غرامت بدون تعیین مدت به‌عهده طرفین گذارده شد (ICJ Reports, 2005, para. 345).<sup>۲</sup>

غرامت تنها در مواردی است که آسیب مذکور، اعم از مادی یا معنوی، قابل تقویم به وجه نقد باشد (ILC comments on article 36, para 4, 2001: 99). هرچند معمولاً آسیب‌های غیرمادی از طریق جلب رضایت متناسب جبران می‌شوند (ILC comments on article 36, para 1, 2001: 99)، اما در مواردی دیوان به پرداخت غرامت در ضررهای معنوی نیز اشاره کرده است. در قضیه احمدو سادیو دیالو دولت گینه برای جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی آقای دیالو در کنگو در دیوان طرح دعوا نمود. دیوان در این قضیه کنگو را ملزم به پرداخت «جبران مناسب»<sup>۳</sup> دانست و مدت توافق را ۶ ماه اعلام کرد (ICJ Reports, 2010, para.165). با عدم حصول توافق مجدداً در سال ۲۰۱۲ گینه دعوایی مبنی بر تعیین خسارت اقامه کرد. دیوان با بررسی دقیق خسارات، دولت کنگو را به ۱۰ هزار دلار آمریکایی برای خسارات مالی و ۸۵ هزار دلار آمریکایی برای خسارات غیرمالی محکوم نمود، که اولی باید به دولت گینه و دومی به آقای دیالو تعلق می‌گرفت (ICJ Reports, 2012, para 25-61). دیوان اشاره‌ای به شیوه خود در تعیین غرامت برای خسارات غیرمالی نمی‌کند.

غرامت باید متناسب با میزان خسارات وارده، منصفانه و با برآورد هزینه‌های معقول باشد (ILC comments on article 36, para 7, 2001: 100). مثلاً نقض جزئی یا حتی کامل یک ماده از یک کنواسیون بین‌المللی، نباید موجب جبران خسارات کامل باشد (Shelton, 2004: 563). در قضیه

۱. در قضیه پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین دیوان، اسرائیل را به پرداخت غرامت ناشی از خسارات وارده به اموال فلسطینی متعهد نمود، بدون اینکه میزان غرامت یا مهلت توافق را تعیین نماید. ممکن است علت این موضع، این باشد که دیوان در موضع صدور نظریه مشورتی و نه رأی توافقی بوده است. همچنین در قضیه پروژه سد گابچیکوو ناگی ماروس دیوان دولت مجارستان و اسلواکی را ملزم به پرداخت غرامت به یکدیگر نمود اما میزان غرامت و مهلت توافق را مشخص ننمود (ICJ Reports, 2004: 155).

۲. هرچند کنگو نیز به نقض کنواسیون حقوق روابط دیپلماتیک وین مورخ ۱۹۶۱ محکوم شد، اما تعیین شیوه جبران این اقدامات بر عهده طرفین قرار گرفت (Phoebe N. Okowa, 2006: 752).

3. appropriate reparation

کانال کورفو دیوان بیان داشت میزان غرامت تعیین شده توسط دولت انگلستان برای خسارات دو کشتی و کشته و زخمی شدن خدمه دو کشتی معادل ۸۴۳۹۴۷ پوند، معقول و منصفانه به نظر می‌رسد و تقریباً مورد تأیید کارشناسان است (ICJ Reports, 1949: 249-250).<sup>۱</sup> دیوان در قضیه احمدو سادیو دیالو نیز معتقد است که تعیین میزان غرامت در خسارات غیر جزایی<sup>۲</sup> باید منصفانه باشد. انتخاب دلار آمریکایی به عنوان ارز موضوع غرامت به دلیل استناد دو طرف به این ارز در مراحل دفاعیات بوده است (ICJ Reports, 2012, para. 25).

میزان غرامت معمولاً از ترکیب سه عامل به دست می‌آید. الف) خسارت ناشی از ارزش سرمایه<sup>۳</sup> یعنی برآورد میزان کاهش قیمت موضوع آسیب دیده در بازار، ب) جبران خسارت ناشی از عدم‌المنفع<sup>۴</sup> یعنی سودی که در مدت آسیب می‌توانست به طور قطعی (محقق‌الوقوع) و یا احتمالی (محتمل‌الوقوع) به دست زیان‌دیده برسد، نیز باید جبران شود و ج) هزینه‌های اتفاقی<sup>۵</sup> که شامل هزینه‌های متفرقه ناشی از خسارت پیش‌آمده است (ILC comments on article 36, para 28-).<sup>۶</sup> در مواردی که پرداخت «غرامت کامل»<sup>۶</sup> ضرورت داشته باشد، خسارت تأخیر تأدیه (بهره)<sup>۷</sup> از زمان لزوم به پرداخت تا زمان پرداخت نیز قابل مطالبه خواهد بود. ماده ۳۸ طرح با اشاره به این موضوع تأکید می‌کند که این خسارت صرفاً به اصل خسارت تعلق خواهد گرفت (ILC comments on article 38, para. 7, 2001: 109). دیوان در قضیه احمدو سادیو دیالو بیان می‌کند که در غرامت، خسارات مادی و معنوی، خسارت عدم‌المنفع (ممکن‌الوقوع و محتمل‌الوقوع) و خسارت تأخیر تأدیه (سالانه ۶ درصد) قابل مطالبه است، اما هزینه دادرسی جز در اوضاع و احوال خاص قابل مطالبه نیست (ICJ Reports, 2012, para. 60). هر چند هزینه دادرسی دیوان جزء هزینه‌های اتفاقی محسوب می‌شود اما برخلاف رویکرد کمیسیون، از نظر دیوان این خسارت قابل جبران نمی‌باشد.

۱. با این حال در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه هر چند نیکاراگوئه متقاضی دریافت غرامت معین (۳۷۰/۲ میلیون دلار) از امریکا بود، اما دیوان صرفاً اشاره می‌کند که امریکا باید خسارات وارده به نیکاراگوئه را جبران کند. به نظر می‌رسد علت این امر عدم مشارکت امریکا در مرحله ماهیت بود و طبعاً رأی دیوان را در زمینه خسارت نمی‌پذیرفت (فیوضی، ۱۳۶۶: ۱۸۱).

2. non-pecuniary damages
3. Compensation for capital value
4. compensation for loss of profits
5. incidental expenses
6. full compensation
7. Interest

همین رویکرد در قضیه اقدامات خاص نیکاراگوئه در منطقه مرزی تبعیت شد. دیوان در این قضیه بدون تعیین میزان غرامت، نیکاراگوئه را ملزم به پرداخت غرامت به کاستاریکا طبق توافق طرفین طی ۱۲ ماه کرده بود. پیرو عدم پرداخت غرامت از سوی نیکاراگوئه، کاستاریکا مجدداً جهت تعیین غرامت به دیوان مراجعه نمود. در این قضیه دیوان برای خسارت تأخیر در تأدیه، میان دو نوع خسارت تفکیک کرد. در واقع، خسارات مستقیم (شامل ساخت آب‌بند و نظارت هوایی) از تاریخ صدور رأی اول و خسارات غیرمستقیم (خسارات وارد بر محیط‌زیست) از تاریخ صدور رأی دوم مشمول خسارت تأخیر تأدیه هستند، با این تفاوت که خسارت تأخیر تأدیه از زمان صدور رأی اول، با درصد کمتری (سالانه ۴ درصد) و خسارت تأخیر تأدیه از زمان صدور رأی دوم با درصد بیشتری (سالانه ۶ درصد) تعیین گردید (ICJ Reports, 2018, para. 229). به نظر می‌رسد تعیین خسارت تأخیر تأدیه نوع اول، منطقی نباشد، زیرا در زمان صدور رأی اول دولت خوانده ملزم به توافق با دولت خواهان بر سر میزان غرامت می‌گردد، در حالی که ممکن است دولت خواهان مانع از حصول توافق در میزان غرامت گردد.

لازم به ذکر است بند ۱ ماده ۳۶ طرح از عبارت «از خسارت سبب شده باشد» استفاده می‌کند، و لذا برای حکم به غرامت لازم است «رابطة علیّی یا سببیت»<sup>۱</sup> میان نقض تعهد بین‌المللی و خسارات وارده وجود داشته باشد. در قضیه اعمال کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی که دولت بوسنی هرزه‌گوین درخواست «غرامت نمادین»<sup>۲</sup> از صربستان کرده بود، دیوان معتقد است از نظر دیوان زمانی این پیوند وجود دارد که «اگر دولت خوانده طبق تعهدات بین‌المللی خود عمل می‌کرد از وقوع خسارات جلوگیری می‌شد». دیوان در این قضیه نتوانست میان نقض تعهد به پیشگیری از نسل‌کشی و وقوع نسل‌کشی در سربرنیتسا پیوندی برقرار کند (ICJ Reports, 2007, para. 462).

همچنین دولتی می‌تواند تقاضای غرامت نماید که خودش یا اتباعش مستقیماً لطمه دیده باشند (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷: ۲۴۷). به همین دلیل در قضیه صید نهنگ در قطب جنوب، استرالیا در هیچ یک از استدلالات کتبی و شفاهی خود ادعای خسارت و تقاضای جبران آن را مطرح ننمود، زیرا از نقض کنوانسیون مذکور اساساً هیچ خسارت مادی به دولت استرالیا وارد نشده تا جبران آن مطرح باشد (Johnson, 2015: 184)؛ با این حال محکومیت ژاپن از بروز خسارات بیشتر به جامعه بین‌المللی جلوگیری نمود.

1. Causal nexus
2. Symbolic compensation

## ۳-۳. جلب رضایت

جلب رضایت یا ترضیه خاطر<sup>۱</sup> برای زمانی که خسارت از طریق اعاده وضع به حال سابق یا پرداخت غرامت قابل جبران نباشد، مطرح شده است (بند ۱ ماده ۳۷). همان طور که در قضیه اعمال کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی دیوان تأکید نمود که با فقدان امکان اعاده وضع به حال سابق و پرداخت غرامت بهترین شیوه جبران خسارت «جلب رضایت» خواهد بود (ICJ Reports, 2007, para. 460). با این حال دیوان در قضیه کارخانه خمیر کاغذ معتقد است در صورت فقدان امکان اعاده وضع به حال سابق، امکان طرح هم‌زمان پرداخت غرامت و جلب رضایت وجود دارد (ICJ Reports, 2010, para. 273).

جلب رضایت به اشکال مختلفی مانند اعتراف به نقض تعهد، اعلام پشیمانی و عذرخواهی رسمی صورت می‌پذیرد (بند ۱ و ۲ ماده ۳۷ طرح). علاوه بر اشکال مذکور، جلب رضایت از طریق ایجاد کمیسیون تحقیق یا تأسیس صندوق امانی<sup>۲</sup> برای مراجعه مستقیم افراد زیان‌دیده یا تعقیب کیفری و انتظامی اشخاص متخلف (ILC comments on article 37, para. 5, 2001: 106) و یا حتی اعاده حیثیت (منصوری، ۱۳۹۵: ۶۰)، احترام به پرچم و سرود ملی صورت می‌پذیرد. این شیوه برای خسارات معنوی که به دشواری قابل تقویم و محاسبه مالی است، شیوه‌ای مناسب و معقول تلقی می‌شود (Fasoli, 2008: 179).

به کار بردن این شیوه باید «متناسب با خسارت»<sup>۳</sup> باشد و موجب تحقیر دولت متخلف نشود (بند ۳ ماده ۳۷ طرح). در قضیه اعمال کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی دیوان صدور اعلامیه محکومیت در بخش اجرایی حکم را «جلب رضایت مناسب»<sup>۴</sup> برای بوسنی و هرزگوین دانست (ICJ Reports, 2007, para 463). در همین راستا دیوان در رأی نهایی خود تصریح می‌کند که صربستان با نقض کنوانسیون نسل‌کشی و قرار موقت دیوان، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده است (ICJ Reports, 2007, para. 471). همچنین در قضیه مسانلی در حوزه معاضدت قضایی در زمینه کیفری دیوان بیان می‌کند که محکومیت فرانسه در نقض معاهده با جیبوتی، خود جلب رضایت متناسب تلقی می‌شود (ICJ Reports, 2008, para. 204).

ممکن است مصادیق جلب رضایت با تضمین و اطمینان به عدم تکرار مشابه باشد، در حالی که آثار حقوقی متفاوتی دارند. جلب رضایت برای جبران خسارت رو به گذشته دارد، در حالی که

1. Satisfaction
2. trust fund
3. Proportion to the injury
4. appropriate satisfaction

اطمینان به عدم تکرار برای پیشگیری از وقوع تخلف مشابه در آینده صورت می‌گیرد (ILC 90: 2001, para 9 & 11, comments on article 30). در قضیه اونا دیوان، آمریکا را به اصلاح قوانین داخلی برای تمهید احقاق حقوق مکزیکی‌ها و دلجویی از مکزیکی ملزم نمود. با توجه به اینکه دیوان در این قسمت از عبارت «جبران مناسب»<sup>۱</sup> استفاده کرد باید این دلجویی را به لحاظ نظری، جزء مصادیق جبران خسارت (شیوه جلب رضایت متناسب) دانست، و نه تضمین به عدم تکرار (ICJ Reports, 2004, paras. 138-141).<sup>۲</sup>

#### ۴. پیامد نقض جدی قواعد آمره در رویه دیوان

سیاست کیفرزایی از طرح، موجب شد تا نظام سلسله‌مراتب مسئولیت بین‌المللی در طرح پیش‌بینی شود. در این نظام نقض برخی قواعد، مسئولیت بین‌المللی مشدد به دنبال خواهد داشت. ماده ۴۰ طرح، نقض جدی (فاحش یا سیستماتیک) قواعد آمره<sup>۳</sup> حقوق بین‌الملل را موجب مسئولیت مشدد برای دولت متخلف می‌داند. زیرا اگر پیامدهای مسئولیت بین‌المللی مانند اعاده وضع به حال سابق و اعاده حیثیت،<sup>۴</sup> در برخی جرایم مهم بین‌المللی ناممکن نباشد، بسیار هزینه‌بر و نامتناسب خواهد بود (Majima, 2009: 207). در این شیوه علاوه بر پیامدهای قبلی، تعهد دولت‌های ثالث به پایان بخشیدن، عدم شناسایی و کمک نکردن به وضعیت متخلفانه خواهد بود. همان طور که مشاهده می‌شود مسئولیت مضاعف در این ماده نوعی واکنش یا مجازات از سوی دولت‌های ثالث است و مسامحتاً آن را پیامد مسئولیت برای دولت متخلف دانسته‌اند. در واقع کمیسیون در تعیین تعهدات خود دولت متخلف در نقض قواعد آمره، ناموفق مانده است (نجفی اسفاد، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

دیوان در قضیه مصونیت‌های قضایی دولت اعلام می‌کند که «نقض قواعد آمره» نیازمند «جبران کامل» همه خسارات می‌باشد (ICJ Reports, 2012, para 94)، اما دیوان به تبیین مفهوم دقیق آن پرداخت، زیرا از نظر دیوان نقض مصونیت دولت نقض قاعده آمره محسوب نمی‌شود، حتی اگر دولت آلمان با ارتکاب جرایم جنگی قواعد آمره بین‌المللی را نقض کرده باشد (Boudreault, 2012: 1011). دیوان معتقد است نقض قواعد آمره سبب نقض مصونیت دولت‌ها نخواهد شد (Kaldunsky, 2014: 92).

1. appropriate reparation

۲. باید توجه نمود که درخواست ارائه اطمینان و تضمین مناسب می‌تواند از سوی کسانی که مستقیماً از آن نقض متضرر نشده‌اند نیز صورت پذیرد (ILC comments on article 30, para. 11, 2001: 90).

3. peremptory norm

4. restitution and rehabilitation

دیوان برای اولین بار در قضیه مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای، قواعد حقوق بشر دوستانه را «تخلف‌ناپذیر»<sup>۱</sup> می‌داند که به تعبیر کمیسیون حقوق بین‌الملل این عبارت اشاره‌ای به آمره بودن این قواعد در نظر دیوان است (ICJ Reports, 2001: 113). با این حال دیوان در قضیه پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین عبارت مذکور را به قواعد عام‌الشمول<sup>۲</sup> تعبیر می‌کند (ICJ Reports, 2004, para. 157). صرف نظر از اختلاف کمیسیون و دیوان در شناسایی قواعد آمره، جالب توجه است که دیوان مسئولیت مشدد را برای قواعد عام‌الشمول، و نه صرفاً قواعد آمره، نیز اعمال کرده است. در قضیه اخیر، دیوان نقض حق تعیین سرنوشت و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را از قواعد عام‌الشمول دانست و در عین حال رژیم صهیونیستی را به مسئولیت مشدد محکوم نمود (ICJ Reports, 2004, para. 163). این رویکرد دیوان را می‌توان به توسعه حقوق بین‌الملل نسبت به قاعده عرفی ماده ۴۰ طرح و یا بیان عرف موجود در برابر قاعده قراردادی مندرج در ماده ۴۰ طرح تفسیر نمود. از آنجا که عرفی بودن ماده ۴۰ دور از ذهن است، باید گفت که عرف مورد قبول دیوان موسع‌تر از قاعده مدون در طرح است. با این حال تصویب طرح در قالب کنوانسیون به مثابه معاهده لاحق می‌تواند عرف سابق را نسخ نماید (زمانی، ۱۳۷۵: ۲۶۴).<sup>۳</sup>

### نتیجه

دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد طبق ماده ۳۸ اساسنامه، مأموریت حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها را داراست. اختلافات بین‌المللی ناشی از اختلاف در وجود قاعده، تفسیر قاعده و یا اجرای قاعده است. در دعاوی ترافیعی دیوان، ممکن است یک دولت ناقض تعهدات بین‌المللی شناخته شود. از سوی دیگر طبق ماده ۱ طرح کمیسیون، نقض تعهد بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی دولت است. مسئولیت بین‌المللی، پیامدهای حقوقی به دنبال خواهد داشت که با توجه به کیفی‌زدایی از طرح، می‌توان گفت هدف نهایی آن مسامحتاً عدالت ترمیمی است. کمیسیون این پیامدها را در سه دسته قواعد کلی، جبران خسارت و پیامد نقض جدی قواعد آمره قرار داده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل برای تنظیم مواد این بخش از آرای متعددی از دیوان بین‌المللی دادگستری تا قبل از سال ۲۰۰۱ بهره برده است. به همین جهت این بخش از پشتوانه رویه قضایی

1. intransgressible

2. erga omnes

۳. جالب توجه است که در قضیه اعمال کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی دیوان مسئولیت مشددی برای دولت صربستان در محدوده تخلفات بین‌المللی مربوط به نسل‌کشی (نقض تعهد به پیشگیری) در نظر نگرفت. شاید علت آن موضوعیت نداشتن مسئولیت مشدد در ترک فعل است.

بین‌المللی برخوردار است. دیوان نیز در آرای پس از سال ۲۰۰۱ خود به موادی از طرح استناد نموده است که خود بیانگر جایگاه این بخش از طرح در حقوق بین‌الملل عرفی است. با این حال در مواردی رویکرد دیوان با رویکرد طرح تفاوت داشته است. به طور مثال هرچند طرح، عدم شناسایی وضعیت متخلفانه را به نقض جدی «قواعد آمره» محدود ساخت، اما دیوان ترجیح داد تا قلمروی این پیامد را به «تعهدات عام‌الشمول» تسری دهد.

کمیسیون، جبران ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی را «تعهد» دولت متخلف و نه صرفاً «حق» دولت زیان‌دیده می‌داند (ILC comments on article 31, para. 1, 2001: 91). به عبارت دیگر نقض تعهدات بین‌المللی با پیامدهای حقوقی آن ملازمه دارد. به همین دلیل عدم تصریح به «جبران خسارت» مانع از مراجعه دیوان به شیوه‌های جبران خسارت نیست. با این حال رویکرد سخت‌گیرانه دیوان در قواعد شکلی مانند قاعده پول‌طلا<sup>۱</sup> و اثبات دعوا از سوی دولت خواهان (زیان‌دیده) موجب می‌شود تا روند جبران خسارت در دیوان بین‌المللی دادگستری با موانعی مواجه باشد.

دیوان تلاش کرده است تا ترتیب پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت مذکور در طرح را در تمام آرای خود رعایت کند. یعنی پس از دستور به توقف عمل متخلفانه (در تخلفات بین‌المللی مستمر) در صورت نیاز به تضمین، حکم می‌دهد و سپس موضوع اعاده وضع به حال سابق را بررسی می‌کند. با این حال برخلاف طرح که شیوه‌های جبران خسارت شامل اعاده وضعیت به حال سابق، غرامت و جلب رضایت را به ترتیب طولی مطرح می‌کند در دیوان در صورتی که امکان اعاده وضعیت به حال سابق وجود نداشته باشد، امکان اعمال هم‌زمان شیوه غرامت و جلب رضایت وجود داشته است.

گاهی مصادیق مربوط به انواع پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی یکسان است که می‌تواند موجب برداشت نادرست شود. شاید مبهم‌ترین شیوه جبران خسارت، جلب رضایت باشد که مصادیق آن در حقوق بین‌الملل واضح نیست. البته این ابهام، به تطابق این شیوه از جبران خسارت با اوضاع و احوال هر پرونده کمک خواهد کرد.

معمولاً دیوان ابتدائاً به غرامت رسیدگی نمی‌کند و تعیین آن را بر عهده طرفین اختلاف می‌گذارد. در طرح، غرامت شامل خسارات مستقیم، عدم‌النفع و خسارات اتفاقی می‌شود. با این حال دیوان در قضیه احمدو سادیو دیالو معتقد است که از این موارد، خسارات اتفاقی مانند هزینه دادرسی

۱. طبق «قاعده پول‌طلا» که در قضیه پول‌طلای انتقال یافته از رم مورخ ۱۹۵۴ در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد، رسیدگی به یک دعوا که دولت ثالث دیگری نیز نسبت به آن ذی‌نفع است بدون حضور آن دولت امکان‌پذیر نیست.

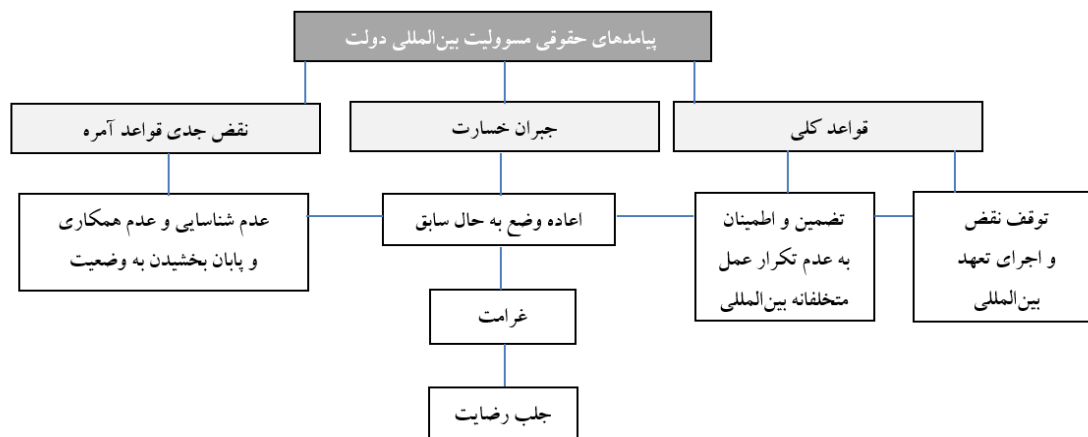
قابل مطالبه نیست؛ در عوض دیوان معتقد است که خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه است که در قضایای مختلف با مبنای درصد متفاوت به آن حکم داده است.

باید توجه داشت که ماده ۴۸ طرح تأکید کرده است که در رابطه با تعهدات عام‌الشمول سایر کشورهای ثالث نیز می‌توانند پیامدهای مسئولیت بین‌المللی را علیه دولت متخلف طرح نمایند. در قضیه تعهد به مذاکره توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای دولت جزایر مارشال به عنوان یکی از اعضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که مستقیماً متضرر نشده بود، علیه هشت کشور دارنده سلاح هسته‌ای به جهت تعهد این دولت‌ها برای مذاکره خلع سلاح هسته‌ای طرح دعوا نمود. دیوان در این قضیه موضوع را فاقد اختلاف میان دولت خواهان و دولت‌های خواننده دانست (ICJ Reports, 2016, paras. 38-40)، اما چنانچه اختلاف را احراز می‌کرد مانعی برای تعیین پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت‌های خواننده وجود نداشت.

لازم به ذکر است که دیوان گاهی اگرچه به نقض تعهد توسط یکی از طرفین تصریح می‌نماید، اما روش جبران خسارت را تعیین نمی‌نماید؛ در قضیه اقدامات خاص نیکاراگوئه در نواحی مرزی دیوان، نقض تعهدات زیست محیطی کاستاریکا را اعلام نمود، اما تکلیفی بر آن دولت بار نکرد. همچنین در قضیه فعالیت مسلحانه اوگاندا در کنگو نیز دیوان عدم حمایت مؤثر از اموال و دیپلمات‌ها و سفارت اوگاندا در کنگو را نقض تعهد معاهداتی کنگو دانست، اما جبرانی برای آن در نظر نگرفت و در قضیه اختلاف در دریانوردی و حقوق مرتبط نیز اقدامات نیکاراگوئه را نقض معاهده مورد اختلاف دانست، اما او را به پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت محکوم نکرد.

در مجموع وجود و استمرار حیات دیوان بین‌المللی دادگستری برای اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت در دوران معاصر یک ضرورت است. با توجه به اینکه طرح هنوز جامعه یک معاهده بین‌المللی به خود نپوشانده است، نظام مسئولیت بین‌المللی در رویه قضایی دیوان، اهمیت دوچندان می‌یابد. وجود یک نظام حقوق مسئولیت بین‌المللی جامع و منسجم در رویه دیوان می‌تواند به پیش‌بینی‌پذیری تعاملات بین‌المللی دولت‌ها، که از ضروریات زیست بین‌المللی است، کمک شایانی نماید.

جدول ۱- ترتیب افقی و عمودی پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مورخ سال ۲۰۰۱



جدول ۲- بسامد پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت در آرای قضایی بین‌المللی پس از سال ۲۰۰۱

پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت	آرای قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری
توقف نقض و اجرای تعهد بین‌المللی	قضیه مربوط به دستور بازداشت ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ مورخ ۲۰۰۲ قضیه اعمال موافقت‌نامه ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۵ مورخ ۲۰۱۱ قضیه اختلافات دریانوردی و حقوق مرتبط ۲۰۰۹ قضیه نقض‌های ادعایی معاهده مودت، روابط اقتصادی و روابط کنسولی ۱۹۵۵ مورخ ۲۰۱۸ قضیه اجرای کنوانسیون بین‌المللی سرکوب کمک مالی تروریسم و کنوانسیون بین‌المللی محو تمام اشکال تبعیض نژادی مورخ ۲۰۱۸ قضیه جادوها مورخ ۲۰۱۸
تضمین و اطمینان به عدم تکرار عمل متخلفانه بین‌المللی	قضیه لاگرانژ مورخ ۲۰۰۱ قضیه به دستور بازداشت ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ مورخ ۲۰۰۲ قضیه درخواست تفسیر رأی ۳۱ مارس ۲۰۰۴ در پرونده مربوط به اونا و سایر مکزیکی‌ها مورخ ۲۰۰۹ قضیه اعمال کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌کشی مورخ ۲۰۰۷ قضیه مصونیت قضایی دولت مورخ ۲۰۱۲

قضیه صید وال‌ها در دریای جنوب مورخ ۲۰۱۴	
قضیه درخواست تفسیر حکم ۱۵ ژوئن ۱۹۶۲ در منطقه معبد و اطراف آن مورخ ۲۰۱۳ قضیه آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مورخ ۲۰۰۴	اعاده وضع به حال سابق
قضیه فعالیت مسلحانه در کنگو مورخ ۲۰۰۵ قضیه احمد سادیو دیالو (گرامت) ۲۰۱۲ قضیه اقدامات خاص نیکاراگوئه در نواحی مرزی مورخ ۲۰۱۵	گرامت
قضیه مربوط به اعمال کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی مورخ ۲۰۰۷ قضیه مربوط به مسائلی در حوزه معاضدت قضایی در زمینه کیفری مورخ ۲۰۰۸ قضیه مربوط به کارخانه خمیر کاغذسازی بر رودخانه اروگوئه مورخ ۲۰۱۰	جلب رضایت
قضیه پیامدهای حقوقی دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مورخ ۲۰۰۴	عدم شناسایی و عدم همکاری و پایان بخشیدن به وضعیت متخلفانه بین‌المللی

## منابع

## فارسی

- امید، سیروس (۱۳۸۹)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از تعهدات زیست محیطی، استاد راهنما: دکتر علیرضا دیهیم استاد مشاور: دکتر مرتضی نجفی اسفاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور.
- امیری، فاطمه (۱۳۸۷)، شیوه‌های جبران خسارت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) با تکیه بر پرداخت غرامت، مبتنی بر رویه قضایی بین‌المللی، استاد راهنما: سیدباقر میرعباسی، استاد مشاور: عباسعلی کدخدایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پورعیسی، حمید (۱۳۹۴)، «جبران خسارت و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل»، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران.
- حاتمی، مهدی و فرشته سادات حسینی (۱۳۹۵)، «مصونیت قضایی دولت با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آلمان علیه ایتالیا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۳.
- حدادی، مهدی (۱۳۹۳)، «تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۲.
- حلمی، نصرت ا... (۱۳۸۵)، مقدمه «ترجمه مسئولیت بین‌المللی دولت؛ طرح‌های تدوین شده کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در باب مسئولیت بین‌المللی دولت»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۸.
- دلآوری پور پاریزی، فائقه (۱۳۹۶)، وضعیت تعهد به ارائه اطمینان و تضمین عدم تکرار در حقوق مسئولیت بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۷۵)، «حقوق قراردادی و تدوین قواعد عرفی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر قضیه نیکاراگوئه»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۰.
- سلطانی آذر، سعید (۱۳۹۴)، «بررسی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در حوزه حمایت دیپلماتیک از منظر حقوق بشر (با نگاهی به پرونده‌های بارسلونا ترکشن، برادران لاگرانژ، اونا و سایر اتباع مکزیکی)»، کانون وکلای دادگستری، شماره ۳۹ و ۴۰.
- علیزاده تقلید آباد، معصومه (۱۳۹۵)، «جبران خسارت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی.
- فیوضی، رضا (۱۳۶۶)، «بررسی اجمالی اختلافات ایالات متحده آمریکا - نیکاراگوآ در دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۸.
- منصور، فرنگیس (۱۳۹۵)، «بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در چهارچوب طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱»، فصلنامه اندیشمندان حقوق، شماره ۱۰.
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد (۱۳۹۴)، مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، مترجم: علیرضا ابراهیم گل، زیر نظر دکتر سید جمال یوسفی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- مستقیمی، بهرام و مسعود طارم سری (۱۳۷۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، زیر نظر دکتر جمشید ممتاز، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- نجفی اسفاد، مرتضی و عبدالمجید سودمندی (۱۳۸۷)، «دسته‌بندی تعهدات بین‌المللی و چندجانبه بودن مسئولیت بین‌المللی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۴ و ۴۵.
- نوروزی، میثم (بی‌تا)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عدم اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی کیفری»، مجله پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۲.
- هیگینز، روزالین (۱۳۸۵)، «دیوان بین‌المللی دادگستری: موضوعات منتخب درباره مسئولیت دولت»، ترجمه علی قاسمی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۴، ۱۳۸۵.

### انگلیسی

- Amador, F.V. Garcia, **Sixth Report on International Responsibility**, Doc. A/CN.4/134 and Add.1, Yearbook of the International Law Commission, 1961, vol. II.
- Damages. Refusal of Declaratory Judgment in Court's Discretion Where Plaintiff Has Action for Anticipatory Breach, **Columbia Law Review, Judgments**. Volume 27 issue 3, 1927
- Boudreault, François (2012), "Identifying Conflicts of Norms- The ICJ Approach in the Case of the Jurisdictional", **Leiden Journal of International Law**, Volume 25 issue 04.
- Chechi, Alessandro, "The 2013 Judgment of the ICJ in the Temple of Preah Vihear Case and the Protection of The World cultural and natural Heritage", **Asian Journal of International Law**, Volume 6 issue 02, 2016
- Chesterman, Simon (2015), "The International Court of Justice in Asia- Interpreting the Temple of Preah Vihear Case", **Asian Journal of International Law**, Volume 5 issue 01.
- Christian J. Tams (2002), Recognizing Guarantees and Assurances of Non-Repetition: Lagrand and the Law of State Responsibility, **Yale Journal of International Law**, volume 27, Issue 2.
- Johnson, Michael (2015), "The Consequences of the ICJ Decision in the Whaling Case for Antarctica and the Antarctic Treat", **The Yearbook of Polar Law**, Volume 7 issue 1.
- Kaldunski, Marcin (2014), "The Law of State Immunity in the Case Concerning Jurisdictional", **Law and Practice of International Courts and Tribunals**, Volume 13 issue 1.
- Larsson, Marie-Louise (1999), The law of environmental damage: liability and reparation, The Hague: Kluwer Law International; Stockholm: Norstedts Juridik, cop.
- Majima, Shunzo (2009), "Forgotten Victims of Military Humanitarian Intervention- A Case for the Principle of Reparation", **Philosophia**, Volume 37 issue 2.
- McIntyre, O. (2010), "The Proceduralisation and Growing Maturity of International Water Law- Case Concerning Pulp Mills", **Journal of Environmental Law**, Volume 22 issue 3.

- Mennecke, Martin and Christian J. Tams, “Lagrand Case (Germany v United States of America)”. **International and Comparative Law Quarterly**, Volume 51, issue 2, 2002
- Petersen, Niels, “The International Court of Justice and the Judicial Politics of Identifying Customary International Law”, **The European Journal of International Law**, Vol. 28 no. 2 EJIL (2017), Vol. 28 No. 2.
- Phoebe N. Okowa, “Case concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v Uganda)”, **The International and Comparative Law Quarterly**, Vol. 55, No. 3 (Jul., 2006).
- Shelton, Dinah L. (2004), “Case concerning Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States)”, **The American Journal of International Law**, Volume 98, issue 3.

#### Cases

- International Court of Justice Case Concerning Alleged violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
- International Court of Case Concerning Application of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Qatar v. United Arab Emirates)
- International Court of Justice, Case Concerning Application of the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Ukraine v. Russian Federation)
- International Court of Justice, Case Concerning Jadhav Case (India v. Pakistan)
- International Court of Justice, Case Concerning Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America) 2003.
- International Court of Justice, Case Concerning Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia) 1997.
- International Court of Justice, Case Concerning Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania) 1949.
- International Court of Justice, Case Concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom) 2016.
- International Court of Justice, Case Concerning Certain Activities Carried Out by Nicaragua In the Border Area (Costa Rica V. Nicaragua) And Construction of a Road in Costa Rica Along the San Juan River (Nicaragua V. Costa Rica) 2015.
- International Court of Justice, Advisory Opinions and Orders Case Concerning Pulp Mills on The River Uruguay (Argentina V. Uruguay) 2010
- International Court of Justice, Case Concerning Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea V. Democratic Republic of The Congo) 2010.
- International Court of Justice, Case Concerning Application of The Interim Accord Of 13 September 1995 (The Former Yugoslav Republic of Macedonia V. Greece) 2011.

- International Court of Justice, Case Concerning Avena And Other Mexican Nationals (Mexico V. United States of America) 2009.
- International Court of Justice, Case Concerning Jurisdictional Immunities of The State (Germany V. Italy: Greece Intervening) 2012.
- International Court of Justice, Case Concerning Legal Consequences of the Construction of a Wall in The Occupied Palestinian Territory, 2004.
- International Court of Justice, Case Concerning Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea V. Democratic Republic of The Congo) Preliminary Objections Judgment Of 24 May 2007.
- International Court of Justice, Case Concerning Application of The Convention on The Prevention and Punishment of The Crime of Genocide (Bosnia And Herzegovina V. Serbia And Montenegro) 2007.
- International Court of Justice, Case Concerning Armed Activities on The Territory of The Congo (Democratic Republic of The Congo V. Uganda) Judgment Of 19 December 2005.
- International Court of Justice, Case Concerning Certain Questions of Mutual Assistance in Criminal Matters (Djibouti V. France) 2008.
- International Court of Justice, Case Concerning Lagrand (Germany V. United States of America) 2001.
- International Court of Justice, Case Concerning Navigational and Related Rights (Costa Rica V. Nicaragua) Judgment Of 13 July 2009.
- International Court of Justice, Case Concerning Request for Interpretation Of The Judgment Of 15 June 1962 In The Case Concerning The Temple Of Preah Vihear, (Cambodia V. Thailand), 2013.
- International Court of Justice, Case Concerning the Arrest Warrant Of 11 April 2000 (Democratic Republic of The Congo V. Belgium) 2002.
- International Court of Justice, Case Concerning Whaling in The Antarctic (Australia V. Japan: New Zealand Intervening) 2014.